

دشمن شما شده‌ام؟¹⁷ شما را به غیرت می‌طلبید، لیکن نه به خیر، بلکه می‌خواهند در را بر روی شما ببندند تا شما ایشان را بغیرت بطلبید.¹⁸ لیکن غیرت در امر نیکو در هر زمان نیکو است، نه تنها چون من نزد شما حاضر باشم.¹⁹ ای فرزندان من، که برای شما باز در زه دارم تا صورت مسیح در شما بسته شود.²⁰ باری خواهش می‌کردم که الآن نزد شما حاضر می‌بودم تا سخن خود را تبدیل کنم، زیرا که دربارهٔ شما متحیر شده‌ام.

هاجر و سارا

²¹ شما که می‌خواهید زیر شریعت باشید، مرا بگویید: آیا شریعت را نمی‌شنوید؟²² زیرا مکتوب است، ابراهیم را دو پسر بود، یکی از کنیز و دیگری از آزاد.²³ لیکن پسر کنیز، بحسب جسم تولد یافت و پسر آزاد، برحسب وعده.²⁴ و این امور بطور مَثَل گفته شد زیرا که این دو زن، دو عهد می‌باشند، یکی از کوه سینا برای بندگی می‌زاید و آن هاجر است.²⁵ زیرا که هاجر، کوه سینا است، در عَرَب، و مطابق است با اورشلمی که موجود است، زیرا که با فرزندان در بندگی می‌باشد.²⁶ لیکن اورشلم بالا آزاد است که مادر جمیع ما می‌باشد.²⁷ زیرا مکتوب است: ای نازاد که نزاییده‌ای، شاد باش! صدا کن و فریاد برآور ای تو که درد زه ندیده‌ای، زیرا که فرزندان زن بی‌کس از اولاد شوهردار بیشتراند.²⁸ لیکن ما، ای برادران، چون اسحاق، فرزندان وعده می‌باشیم.²⁹ بلکه چنانکه آنوقت آنکه برحسب جسم تولد یافت، بر وی که برحسب روح بود جفا می‌کرد، همچنین الآن نیز هست.³⁰ لیکن کتاب چه می‌گوید؟ کنیز و پسر او را بیرون کن زیرا پسر کنیز با پسر آزاد میراث نخواهد یافت.³¹ خلاصه، ای برادران، فرزندان کنیز نیستیم بلکه از زن آزادیم.

¹ ولی می‌گویم: مادامی که وارث صغیر است، از غلام هیچ فرق ندارد، هرچند مالک همه باشد.² بلکه زیردست ناظران و وکلا می‌باشد تا روزی که پدرش تعیین کرده باشد.³ همچنین ما نیز چون صغیر می‌بودیم، زیر اصول دنیوی غلام می‌بودیم.⁴ لیکن چون زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زن زاییده شد و زیر شریعت متولد،⁵ تا آنانی را که زیر شریعت باشند فدیہ کند تا آنکه پسرخواندگی را بیابیم.⁶ اما چونکه پسر هستید، خدا روح پسر خود را در دل‌های شما فرستاد که ندا می‌کند، یا ابا، یعنی، ای پدر.⁷ لهذا دیگر غلام نیستی بلکه پسر، و چون پسر هستی، وارث خدا نیز به‌وسیلهٔ مسیح.

نگرانی پولس برای غلاطیان

⁸ لیکن در آن زمان چون خدا را نمی‌شناختید، آنانی را که طبیعتاً خدایان نبودند، بندگی می‌کردید.⁹ اما الحال که خدا را می‌شناسید بلکه خدا شما را می‌شناسد، چگونه باز برمی‌گردید به سوی آن اصول ضعیف و فقیر که دیگر می‌خواهید از سر نو آنها را بندگی کنید؟¹⁰ روزها و ماه‌ها و فصل‌ها و سال‌ها را نگاه می‌دارید؟¹¹ دربارهٔ شما ترس دارم که مبادا برای شما عیث زحمت کشیده باشم.¹² ای برادران، از شما استدعا دارم که مثل من بشوید، چنانکه من هم مثل شما شده‌ام. به من هیچ ظلم نکردید.¹³ اما آگاهید که به‌سبب ضعف بدنی، اوّل به شما بشارت دادم.¹⁴ و آن امتحان مرا که در جسم من بود، خوار نشمردید و مکروه نداشتید، بلکه مرا چون فرشتهٔ خدا و مثل مسیح عیسی پذیرفتید.¹⁵ پس کجا است آن مبارک‌بادی شما؟ زیرا به شما شاهدی که اگر ممکن بودی، چشمان خود را بیرون آورده، به من می‌دادید.¹⁶ پس چون به شما راست می‌گویم، آیا